





مجتمع علوم انسانی  
دانشکده زبان و ادبیات  
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه جهت دریافت کارشناسی ارشد

نقد و تحلیل آثار غلامحسین ساعدی

استاد راهنما:

دکتر سیدجمال الدین مرتضوی

استاد مشاور:

دکتر یدالله جلالی

پژوهش و نگارش:

سکینه عباسی

۱۳۸۶ / ۱۱ / ۲۸

زمستان ۱۳۸۴

۷۰۶۰۹

**تقدیم بہ :**

**دکتر غلامحسین ساعدی**

**9**

**داستان نویسان سرزمینم...**

## سیاس نامه

بحث از مشکلات راه به میان نمی آورم که خود ذکر مصیبتی است ناخوشایند ... اما اذعان می دارم که انتخاب موضوع حاضر جهت پژوهش در این مقطع، پیش انگاری بود از درس های ادبیات معاصر و نقد ادبی مقطع پیشین از کلاس های درس « دکتر اکبر نحوی » و « دکتر محتشم محمدی » در دانشگاه شیراز.

در این کلاس ها، بحث از هویت ایرانی، شعر ایرانی، نمایشنامه ایرانی و سینمای ایرانی بود. آشنایی با خاکی که از گذر تاریخ، مسیر هزار گونه قبیله و کاروان بوده و هم اکنون دارد، تاوان غارت شدنش را می پردازد و تا کنون نیز پرداخته است. در مسیر جاده ابریشم بودن و یا در مسیر جنگی جهانگیر قرار گرفتن یا قضیه نفت و هزار جور معدن و ماده خام، برای ایرانی، چیزی جز چپاول و در جهل ماندن و تن به غارت دادن نداشته است.

همه چیز از ورود غریبه ها شروع شده است : اضطراب، جنون، آوارگی، جهل و نیاز. در این مباحث آنچه در نهایت به دست می آمد، سخن تازه ای نبود. گفتنی ها را گفته بودند و اگر در این میان سخنی گفته می شد به آن خاطر بود که انبوهی از پژوهش و بینش گذشته، پشتوانه قرار گیرد. در این مرز و بوم، از دهه چهل به بعد، کسانی ظهور کرده بودند تا این کابوس ها را بنگارند. کابوسی که زندگی ایرانی معاصر را در خواب و بیداری فرا گرفته است. پریشانی که ناخودآگاه او را به « بوف کور » ی شدن خودآگاهش کشانده است.

از این روی، پژوهش در ادبیات معاصر را بر مطالعه ادبیات سنتی برتری دادم. در این مسیر، استادان ارجمند، آقای دکتر سیدجمال الدین مرتضوی و آقای دکتر یدالله جلالی پندری، در جهت راهنمایی و مشاوره رساله ام همت نمودند و یاری رسان من بوده اند. معرفی منابع و مآخذ کتابخانه ای و اینترنتی، تهیه و تنظیم طرح رساله و راهنمایی در جهت شیوه کار از سوی ایشان، نارسایی های آغاز کار را برطرف نمود. نظرات و یادداشت های سروران در ادامه کار و هنگام نگارش آن، سبب شد تا فصل های رساله، بارها بازبینی شود و به صورتی درآید که ارزش ارائه در محفل حاضر را پیدا کند. گرچه سیاس من، گوشه ای از تلاش ها و زحمات بی دریغ ایشان را جبران نخواهد کرد، اما چون همیشه از ایشان سپاسگزارم.

از ریاست محترم دانشکده ادبیات، آقای دکتر سید محمود الهام بخش که در امر این رساله، همراهی و بزرگواری نمودند، تشکر می نمایم.

از استادان خوبم در دانشگاه شیراز، آقای دکتر محتشم محمدی که با ابراز نظر و ارائه پیشنهادهای راه گشا و تهیه برخی یادداشت ها، مرا در این رساله یاری نمودند، آقای دکتر کاووس

حسن لی که در معرفی برخی منابع همکاری نمودند و آقای دکتر جوکار به خاطر امکاناتی که در تابستان 83، برای مطالعه پایان نامه‌ها در اختیار من قرار دادند، قدردانی می‌کنم.

و با سپاس فراوان از آقای عبدالعلی دستغیب، منتقد و پژوهشگر معاصر و سپاس از بنیاد فارس‌شناسی به خاطر امکاناتی که برای مطالعه کتابخانه موقوفه ایشان، در اختیار من قرار دادند.

و با تشکر از دوستان فرهیخته‌ام سرکار خانم کبری بهمنی، طیبه جعفری و آقای روح الله هاشمی که یاریگران صبور من در طول دوره تحصیل بوده‌اند.

و با سپاس همیشگی از خانواده خوبم به ویژه پدر و مادرم و برادران عزیزم که همراه لحظه به لحظه زندگییم هستند.

و سرانجام با قدردانی صمیمانه از دوستان و همراهان عزیزم، خانم مهری زینی و خانم حمیده مطهری نیا، منشی محترم گروه ادبیات، که در طول دوره تحصیل و در پیشبرد رساله مشوق و همراه من بوده‌اند.

سکینه عباسی

اسفندماه 1384

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار.....
۳	<b>فصل اول: مبانی تحقیق</b> .....
۳	۱-۱- تعریف موضوع.....
۳	۲-۱- سؤالات پژوهشی.....
۳	۳-۱- روش تحقیق.....
۳	۴-۱- تاریخچه (پیشینه تحقیق).....
۴	۵-۱- اهداف طرح.....
۴	۶-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق.....
۴	۷-۱- کاربرد نتایج تحقیق.....
۶	<b>فصل دوم: زندگی و آثار</b> .....
۶	۱-۲- شرح حال.....
۹	۲-۲- ساعدی، آل احمد و مبارزات اجتماعی.....
۱۳	۳-۲- ساعدی و روزنامه نگاری.....
۱۵	۴-۲- هجرت، غربت و مرگ.....
۱۸	۵-۲- آثار.....
۱۸	۱-۵-۲- داستان کوتاه.....
۱۹	۲-۵-۲- داستان بلند.....
۲۰	۳-۵-۲- نمایشنامه و پانتومیم.....
۲۴	۴-۵-۲- فیلمنامه.....
۲۵	۵-۵-۲- تک نگاری اجتماعی، مردم شناسی (Ethnology).....
۲۸	۶-۵-۲- داستان کودک.....
۲۹	۹-۵-۲- ترجمه.....
۲۹	۱۰-۵-۲- شعر.....
۳۱	۶-۲- مکتب‌های ادبی، فکری، سیاسی و روانشناختی.....
۳۱	۱-۶-۲- رئالیسم (Realism).....
۳۵	۲-۶-۲- رئالیسم جادویی (Magic Realism).....
۳۷	۳-۶-۲- ناتورالیسم (Naturalism).....

۳۹	.....	۴-۶-۲- نیهیلیسم ادبی (Nihilism)
۴۲	.....	۵-۶-۲- لمپنیسم (Lumpenism)
۴۴	.....	۶-۶-۲- فرویدیسم
۴۷	.....	۷-۲- تأثیر هدایت، آلن پو و همینگوی
۵۳	.....	۸-۲- نمادگرایی (Symbolism)
۵۸	.....	۹-۲- ادبیات اقلیمی (Regional literature)
۶۷	.....	<b>فصل سوم : درونمایه (Teme)</b>
۶۸	.....	۱-۳- ناراحتی روانی
۷۳	.....	۲-۳- نزول بلا و مصیبت
۷۶	.....	۳-۳- ترس و لرز و دلهره
۸۱	.....	۴-۳- رنج های روستا
۸۶	.....	۵-۳- مرگ
۸۹	.....	۶-۳- طنز سیاه (Black Humour)
۹۲	.....	۷-۳- درونمایه تاریخی و اسطوره‌ای
۹۴	.....	۸-۳- تأثیر صادق هدایت و ادگار آلن پو بر درونمایه
۱۰۲	.....	<b>فصل چهارم : راوی و زاویه دید</b>
۱۰۳	.....	۱-۴- راوی اول شخص
۱۰۳	.....	۱-۱-۴- من شاهد (عینی، ناظر و ...)
۱۰۵	.....	۲-۱-۴- من قهرمان
۱۰۷	.....	۲-۴- دیدگاه دانای کل
۱۰۷	.....	۱-۲-۴- دانای کل نامحدود
۱۱۰	.....	۲-۲-۴- دانای کل مفسر
۱۱۰	.....	۳-۴- تک گویی درونی (Interior Monologue)
۱۱۲	.....	۴-۴- روایت نامه‌ای = مکاتبه‌ای (Letter narration)
۱۱۲	.....	۵-۴- روایت نمایشی
۱۱۳	.....	۶-۴- روایت (Narration)
۱۱۷	.....	<b>فصل پنجم: توصیف (Description)</b>
۱۱۷	.....	۱-۵- توصیف بیرونی
۱۱۸	.....	۱-۱-۵- توصیف قهرمان

۱۱۸	..... ۱-۱-۱-۵- قهرمانان انسانی
۱۲۷	..... ۲-۱-۱-۵- توصیف قهرمانان غیر انسانی
۱۲۹	..... ۲-۱-۵- توصیف مکان ( صحنه پردازی ) و فضا
۱۴۰	..... ۲-۵- توصیف درونی ( ذهنیت )
۱۵۰	..... ۳-۵- ابزار توصیف ( تصویر سازی )
۱۵۱	..... ۱-۳-۵- نماد ( Symbol )
۱۵۴	..... ۲-۳-۵- استعاره ( Metaphor )
۱۵۹	..... ۳-۳-۵- تشبیه ( Simile )
۱۶۳	..... ۴-۳-۵- اسم بامسمی ( Afronym )
۱۶۵	..... ۵-۳-۵- ابهام ( Ambiguity )
۱۷۰	..... ۴-۵- بسامد توصیف در آثار ساعدی و علت آن
۱۸۰	..... <b>فصل ششم: قهرمانان (Character's)</b>
۱۸۰	..... ۱-۶- انواع قهرمانان
۱۸۰	..... ۱-۱-۶- انواع قهرمانان از لحاظ کیفیت پیوند با محیط
۱۸۰	..... ۱-۱-۱-۶- شخصیت‌های همه جانبه = فردی (Full dimensional character)
۱۸۳	..... ۲-۱-۱-۶- قهرمانان نوعی (Typical character)
۱۹۲	..... ۳-۱-۱-۶- قهرمانان نمادین ( Symbolical character )
۱۹۴	..... ۲-۱-۶- انواع قهرمانان از لحاظ کیفیت روانی و اخلاقی خود شخص
۱۹۴	..... ۱-۱-۲-۶- قهرمانان بیمارگون
۲۰۰	..... ۲-۱-۲-۶- قهرمانان نادر و عجیب
۲۰۸	..... ۲-۶- ابزار و شیوه‌های شخصیت پردازی
۲۱۰	..... ۱-۲-۶- کنش قهرمان
۲۱۴	..... ۲-۲-۶- توصیف
۲۱۵	..... ۳-۲-۶- کاربرد اسم ( خاص و عام )
۲۱۷	..... ۴-۲-۶- زبان ( گفت و گو )
۲۳۰	..... ۳-۶- تأثیر پذیری از صادق هدایت
۲۳۶	..... <b>فصل هفتم: گفت و گو (Dialogue)</b>
۲۳۷	..... ۱-۷- غلبه «گفت و گو» در آثار ساعدی
۲۴۰	..... ۲-۷- توصیف در گفتگو



۲۴۴	۷-۳-تناسب زبان گفت و گو و قهرمان
۲۵۱	۴-۷-تناسب روایت و گفت و گو
۲۵۸	۵-۷-تک‌گویی درونی
۲۶۳	۶-۷-عامل لحن در گفت و گو (Tone)
۲۷۰	۷-۷-تناسب لحن با قهرمان
۲۷۵	<b>فصل هشتم: زبان</b>
۲۷۵	۱-۸-زبان روایت
۲۹۰	۲-۸-زبان گفت و گو
۲۹۶	۳-۸-زبان توصیف
۳۰۱	۴-۸-واژگان
۳۰۲	۱-۴-۸-واژگان فارسی (عامیانه، رسمی و ادبی)
۳۰۶	۲-۴-۸-واژگان غیر فارسی (ترکی - عربی - انگلیسی - روسی - ارمنی - فرانسه)
۳۰۸	۵-۸-تأثیر اقلیم بر زبان قهرمانان
۳۱۲	<b>فصل نهم: حوادث (incidence)</b>
۳۱۳	۱-۹-انواع حوادث برحسب محیط پیدایش
۳۱۳	۱-۱-۹-حوادث اجتماعی
۳۲۷	۱-۲-۹-جدالهای روانی
۳۳۱	۳-۱-۹-حوادث نادر
۳۳۵	۲-۹-ارتباط منطقی حوادث و ضروری آن
۳۳۹	<b>فصل دهم: تکنیک (Technique)</b>
۳۳۹	۱-۱۰-پیرنگ در داستان کوتاه و بلند (Plot)
۳۶۳	۲-۱۰-نحوه شروع داستانها (Opening)
۳۷۶	۳-۱۰-گره، بزنگاه (اوج)، گره گشایی
۳۸۱	۴-۱۰-پایان (ending)
۳۸۷	۵-۱۰-فضا (Atmosphere)
۳۸۹	۱-۵-۱۰-اصوات
۳۹۵	۲-۵-۱۰-تصاویر
۳۹۹	۳-۵-۱۰-امکانات زبانی
۴۰۳	<b>فصل یازدهم: نتیجه گیری</b>

- ۴۰۳..... ۱۱-۱- هنر ساعدی در داستان کوتاه و بلند
- ۴۰۷..... ۱۱-۲- جایگاه ساعدی در میان داستان نویسان معاصر
- ۴۱۰..... منابع و مآخذ
- ۴۱۰..... الف) کتابها
- ۴۱۴..... ب) مقالات
- ۴۱۷..... پیوست

## چکیده

دکتر غلامحسین ساعدی ( ۱۳۶۴-۱۳۱۴ ه.ش) (گوهر مراد) از برجسته ترین داستان نویسان و نمایشنامه نویسان ایرانی است.

وی با انتشار اولین کتابش (خانه های شهر ری) خود را به عنوان استعدادی تازه در ادبیات نوین ایران معرفی کرد. او بعدها با نوشتن نمایشنامه هایی چون «چوب به دست های ورزیل»، «آی بی کلاه»، «آی با کلاه»، «جانشین» و ... و داستان های «عزاداران بیل»، «ترس و لرز»، «واهمه های بی نام و نشان» و ... جایگاه خود را به عنوان یکی از بهترین نویسندگان ادبیات خلاقه نوین ایران تثبیت کرد.

ساعدی در سه زمینه مختلف داستان نوشته است. بندرهای جنوب کشور، اقلیمی خشک و فقیر با بیماری های بومی و خرافات. دوم روستاهای آذربایجان، برخورد منافع دسته های کوچک ده، واحدهای اقتصادی کوچک و علیل، اذهان گرفتار موهومات و علت ها. سوم، شهر بزرگ با روشنفکران، بیمارستان ها، کارگران و بیکارانش.

در دو زمینه اول، اساس نوشتن را گرایش به کاربرد نوعی بعد تمثیلی و رمزی در قصه قرار داد. او داستان نویسی خود را به نقل ها، افسانه های محلی و حکایات نتیجه دار و عبرت آموز بومی (به خصوص بومی جنوب و آذربایجان) نزدیک کرد. همچنین رابطه پنهانی ادبیات داستانی خود را با ادبیات سیاسی و انتقادی عصر مشروطه، وجهه نظر قرار داد. از این رو فضای داستان هایش، همیشه میان ترس همیشگی از نزول بلا و مصیبت معلق است. ساختار نمایش گونه داستان های او که با گفت و گوها و اعمال آدم های روستایی یا شهریان بیمار شکل می گیرد، از ویژگی های خاص سبکی اوست. همچنین حضور حیوانات نیز مانند حضور آدم ها در فضای قصه های او اهمیت دارد و عکس آن یعنی انسان ها نیز گاهی صفات حیوانی می یابند.

«هول» و «خوف»، برترین مشخصه داستانی اوست. وی در ایجاد فضاهای شگفت انگیز استاد است. غلغله صداها و آواها در کنار صدای آدم ها، داستان های او را به مثابه یک قطعه موسیقی سامان می دهد. اهمیت ارگانیک صدا در آثار او، صداهایی مانند اصوات انسانی، حیوانی، صدای اشیاء و سازها، طبیعت، توصیف و صداهای بی صدا و سکوت، در خور توجه است. این ویژگی مرز خیال و واقعیت در داستان ها را به هم می زند، خصوصاً اگر در داستان های بومی باشد. از این رو سبک او گرایش به یکی از انواع واقع گرایی (رئالیسم جادویی) دارند.

در سبک داستانی او حوادث و آدم های نامنتظر در واقعیت تأثیر می گذارند و همه چیز را برای نزول حادثه ای بلاگونه تثبیت می کنند. به همین دلیل گاهی الگوی داستان نویسی وی را متأثر از الگوهای ادگار آلن پو دانسته‌اند.

شیوه مکتبی او در داستان نویسی رئالیسم است. اما رئالیسم او غیرانقلابی و غیر شعاری است و بیشتر با ناتورالیسم آمیختگی دارد؛ بیان دیدگاه های تاریک و نشان دادن دردها، بی این که راه حلی نشان دهد. اما از آنجا که وی روانپزشک بوده و توجه خاصی به درون آدم ها و روحيات آنها دارد، تجزیه و تحلیل روان آدم ها و قدرت شناخت تضادهای اجتماعی به او قلمی داده است که از فقر و فساد و فحشا و فلاکت و جهل به زیباترین زبان ممکن حرف بزند. آدم های داستان های او بیماران روانی، گداها و روستاییانی هستند که همگی درگیر نوعی از فقرند. از دید ساعدی آسیب شناس، خود جامعه نیز، بیماری علاج ناپذیری است که زندگی مردم، چه شهری و چه روستایی را به سوی اضطراب و ناامیدی کشانده است.

در داستان های او، عنصر روایت یا بر دوش یک دانای کل بیمارگون و مضطرب است و یا یک کودک، روایتگری را بر عهده دارد. بنابراین وی استفاده از امکانات زبانی را، از نوع ابهام برانگیز آن به همراه لحن مجازی و تلویحی برای بیان هرگونه موضوعی، در اختیار دارد. نثر داستان های او گزارش گونه، ساده و محاوره ای است. گفتار شخصیت ها نیز کوتاه و بریده بریده است و از کشش خاصی برخوردار است. به همین سبب هر دو گونه واژه (عینی و ذهنی) یا درونی و بیرونی در نثر او بسیار است.

او در نوشته هایش بیشتر تصویرآفرینی می کند و کمتر توضیح می دهد. اهمیت وصف در داستان های او زمانی شروع می شود که حادثه نمود یابد. شخصیت پردازی نیز اغلب در خلال حادثه انجام می گیرد. گفت و گوی آنها و واکنش آنها در قبال حوادث معرف آنهاست. بنابراین عناصر «نقل»، «تعلیق» و «حادثه» در تکنیک داستان نویسی او بسیار اهمیت دارند.

دهه چهل اوج داستان نویسی ساعدی است. بهترین آثار او در این دوره پدید آمده اند. با شروع دهه پنجاه، داستان های او به سوی ضعف پیش می روند. در این دوره سه داستان بلند «توپ»، «تاتار خندان» و «غریبه در شهر» را پدید آورده است که بیشتر از لحاظ فضا و شخصیت پردازی در خور توجه‌اند. سایر داستان های کوتاهی که در این دوره نوشته شده‌اند، دارای درون مایه‌ای سیاسی و گاهی روانی هستند و بیشترین حضور راوی در آنها محسوس است. این داستان ها بیشتر در غربت (فرانسه) نوشته شده‌اند و پیراستگی و دقت آثار پیشین (دهه سی) را ندارند.

## پیشگفتار

«از دور صدای ساز تنهایی می آمد  
و صدای خنده جماعتی که آرام آرام  
نزدیک می شدند.»<sup>۱</sup>

در آغاز سخن لازم به یادآوری است که این قلم به هیچ وجه قصد ندارد، بحث را به پیام و زندگی نویسنده بکشاند و یا برای اثبات مواردی که مطرح می شود، به زندگی این نویسنده یا گفته‌های او استناد کند، چرا که هرگونه کشف یا ارائه پیامی در آثار ادبی، اگر بر مبنای انگاره‌ها و روابط عینی میان اشیاء و اشخاص خود آثار نباشد، غنای ادبی این آثار را از بین می برد. به بیانی دیگر، درست است که آثار هنری تبلور هویت زیستی، زمانی و مکانی هنرمند هستند، اما این تبلور، باید از چنان توانی برخوردار باشد که خود، هویت و کلیتی جدا و مستقل از نویسنده یا هنرمند داشته باشند تا بتواند عرض اندام کنند.

بر این اساس، نقد و بررسی داستان‌های غلامحسین ساعدی با توجه به معیارهای نقد داستان و جایگاه عناصر داستانی آثار او صورت پذیرفته است.

مبنای کار بیشتر براساس «واژه نامه هنر داستان نویسی» جمال میرصادقی، «دستور زبان داستان» احمد اخوت، «هنر داستان نویسی» ابراهیم یونسی و «مکتب‌های ادبی» رضا سیدحسینی بوده است. هر جا که نیاز به مطالب بیشتر در زمینه بسط موضوع بوده است به کتابها و مقالات دیگر نیز استناد شده است. خصوصاً که تکنیک داستانی ساعدی تا حد زیادی از دنیای نمایشنامه و فیلمنامه نویسی بهره گرفته است. همچنین گاهی در حد ضرورت به ارائه مباحثی درباره نکات روانشناختی، در تحلیل عناصر، استناد شده است. علت امر، روانپزشک بودن نویسنده و نمایشنامه‌نویس بودن اوست.

یادآوری این نکته نیز ضروری است که جدا کردن عناصر داستان از یکدیگر، بیشتر یک بخش‌بندی ساختگی است که در طرح به کار گرفته شده است نه واقعی، چرا که وابستگی‌های عناصر در کلیت پویای داستان معنی دارند و نه جدا از هم. تنها هدف جدا کردن آنها در طرح رساله، اهداف پژوهش است که پاره‌ای از عوامل و عناصر مهم‌تر یا کم‌اهمیت‌تر جلوه می کنند. تکرار و تداخل برخی زیرگروه‌های فصل‌ها از این جهت است.

<sup>۱</sup> غلامحسین ساعدی: عزاداران بیل، ص ۲۱۴.

## فصل اول: مبانی تحقیق

- ۱-۱- تعریف موضوع
- ۱-۲- سؤالات پژوهشی
- ۱-۳- روش تحقیق
- ۱-۴- تاریخچه (پیشینه تحقیق)
- ۱-۵- اهداف طرح
- ۱-۶- اهمیت و ضرورت تحقیق
- ۱-۷- کاربرد نتایج تحقیق

## فصل اول: مبانی تحقیق

### ۱-۱- تعریف موضوع:

دکتر غلامحسین ساعدی (۱۳۶۴-۱۳۱ ه. ش) از جمله داستان نویسان و نمایشنامه نویسان مشهور معاصر است که آثار او در زمینه‌ی داستان کوتاه و بلند، نمایشنامه و به خصوص «لال بازی‌ها» او جایگاه خاصی در میان نویسندگان معاصر ایران دارد. در این پایان نامه کوش می شود آثار داستانی دکتر ساعدی از جوانب مختلفی همچون کیفیت درون مایه‌های داستانی او، مسائل تکنیکی داستان، همچنین شیوه‌ی توصیف، چگونگی گفتگوها، زبان روایت، انواع قهرمانها و جنبه‌های اقلیمی برخی از داستانها مورد نقل و بررسی قرار گیرد و سرانجام جایگاه هنری او در میان داستان نویسان معاصر برای خواننده تعیین گردد.

### ۱-۲- سؤالات پژوهشی:

- ۱- داستانهای کوتاه دکتر ساعدی از دیدگاه نقد داستان چگونه است؟
- ۲- میزان موفقیت دکتر ساعدی در داستانهای بلند (رمان) چگونه است؟
- ۳- آثار حرف روانپزشکی دکتر ساعدی در آفرینش داستانهای روانی او موثر بوده است؟
- ۴- آثار او در میان آثار داستانی معاصر در چه جایگاهی قرار دارد؟

### ۱-۳- روش تحقیق:

روش تحقیق در این پایان نامه توصیفی - تحلیلی از نوع بنیادی و به شیوه کتابخانه‌ای صورت می‌گیرد بدین صورت که نخست تمام داستانهای دکتر ساعدی به دو دسته داستان کوتاه و بلند تقسیم می‌شود. آنگاه با توجه به معیارهای نقد داستان، به مطالعه این داستانها از دیدگان نقد ادبی پرداخته می‌شود، سپس جایگاه زیان، تکنیک، درونمایه و ادبیات اقلیمی در داستانهای او مشخص می‌گردد، در پایان میزان موفقیت او با توجه به آراء ناقدان آثارش تبیین می‌گردد.

### ۱-۴- تاریخچه (پیشینه تحقیق):

درباره دکتر ساعدی علاوه بر آن که در کتابهایی مانند صد سال داستان نویسی در ایران (تالیف حسن عابدینی، تهران: نشر چشمه، ۱۳۷۷)، نویسندگان پیشرو ایران (تالیف محمد علی سپانلو، تهران: نشر زمان، ۱۳۶۲)، نقد آثار غلامحسین ساعدی (تالیف عبدالعلی دستغیب،

تهران: انتشارات میرا، ۱۳۵۲) و نقد و تحلیل و گزیده‌ی داستانهای غلامحسین ساعدی (تالیف روح‌الله مهدی پور پورعمرانی، تهران: نشر روزگار، ۱۳۸۲) اشاراتی به برخی از ویژگیهای داستانهای او شده است در کتاب شناخت نامه ساعدی (گردآوری جواد مجابی، تهران: نشر آینه، ۱۳۷۸) و کتاب بختک نگار قوم (گردآوری علیرضا سیف‌الدینی، تهران: نشر اشاره، ۱۳۷۸) مقالاتی درباره‌ی آثار وی جمع‌آوری شده است؛ اما چنانکه پیداست نقد و تحلیل آثار داستانی دکتر ساعدی به صورت جامع و همه‌جانبه، تاکنون صورت نگرفته است.

### ۱-۵- اهداف طرح:

- ۱- بررسی میزان توفیق دکتر ساعدی در داستانهای کوتاهی که نوشته است.
- ۲- بررسی میزان موفقیت دکتر ساعدی در داستانهای بلند (رمان) که از وی منتشر شده است.
- ۳- بررسی تاثیر حرفه روان پزشکی دکتر ساعدی در آفرینش داستانهای روانی او.
- ۴- شناخت جایگاه دکتر ساعدی در میان داستان نویسان معاصر.

### ۱-۶- اهمیت و ضرورت تحقیق

از آنجا که دکتر ساعدی هم در زمینه آثار داستانی و هم در زمینه نمایشنامه نویسی از نویسندگان صاحب سبک معاصر به شمار می‌رود. شناخت این نویسنده و نقد و تحلیل آثار او از ضروریات داستان نویسی معاصر به شمار می‌رود؛ زیرا با بررسی انتقادی آثار او می‌توان به فراز و فرود داستان نویسی معاصر دست یافت و روشهای داستان نویسی را که دکتر ساعدی مورد استفاده قرار داده، مورد ارزیابی قرارداد تا چشم انداز تازه‌ای در برابر داستان نویسان جوان و علاقه‌مندان آثار داستانی معاصر گشوده شود.

### ۱-۷- کاربرد نتایج تحقیق

موضوع این پایان نامه می‌تواند مورد استفاده پژوهشگران ادبیات معاصر (به ویژه مورخان ادبی) قرار گیرد تا از طریق یافته‌های آن به شناخت بیشتر یکی از نویسندگان برجسته معاصر دست یابند. همچنین این تحقیق در زمینه ادبی نیز می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد؛ زیرا تاکنون در عصر نقد داستانهای معاصر، تحقیقات دانشگاهی، کمتر صورت گرفته است، در کنار این کاربردها، داستان نویسان جوان نیز می‌توانند با مطالعه این پژوهش به کیفیت هنری تکنیکهای داستان نویسی که در این پایان نامه مورد ارزیابی قرار گرفته است، دست یابند.



## فصل دوم : زندگی و آثار

۱-۲- شرح حال

۲-۲- ساعدی، آل احمد و مبارزات اجتماعی

۳-۲- ساعدی و روزنامه نگاری

۴-۲- هجرت، غربت و مرگ

۵-۲- آثار

۱-۵-۲- داستان کوتاه

۲-۵-۲- داستان بلند

۳-۵-۲- نمایشنامه و پانتومیم

۴-۵-۲- فیلمنامه

۵-۵-۲- تک نگاری

۶-۵-۲- داستان کودک

۷-۵-۲- ترجمه

۸-۵-۲- شعر

۶-۲- مکتب‌های ادبی، فکری، سیاسی و روانشناختی

۱-۶-۲- رئالیسم

۲-۶-۲- رئالیسم جادویی

۳-۶-۲- ناتورالیسم

۴-۶-۲- نیهیلیسم

۵-۶-۲- لمپنیسم

۶-۶-۲- فرویدیسم

۷-۲- تأثیرپذیری از هدایت، آلن پووهمینگوی

۸-۲- نمادگرایی

۹-۲- ادبیات اقلیمی

## فصل دوم: زندگی و آثار

### ۱-۲- شرح حال

غلامحسین ساعدی در ۲۴ دی ماه ۱۳۱۴ ه. ش در تبریز در یک خانواده کارمند به دنیا آمد.<sup>۱</sup> سالهای جوانی و نوجوانی او در تب و تاب مبارزات سیاسی و کنش و واکنش‌های گروه‌های سیاسی گذشت، وی دغدغه‌های سیاسی را تاواپسین دم زندگی با خود داشت و ظهور و سقوط هنر او ارتباط تنگاتنگی با سیاست دارد.<sup>۲</sup>

سال تولد ساعدی فاصله چندانی با رویداد انقلاب مشروطه که تبریز کانون گرم آن بودن، ندارد. شش ساله بود که روس‌ها تبریز را بمباران کردند. ساعدی به همراه خانواده اش، به ناچار به یکی از دهات سهندآباد (بیرق) پناه بردند و دو ماه در آنجا ماندند.<sup>۳</sup>

زندگی در روستاهای آذربایجان، به ویژه در دوران کودکی، الهام بخش ساعدی در دوران بعد شد. نخستین آشنایی او با روستا و سنت‌های شگفت‌انگیز دهقانان به همین دوره مربوط می‌شود. تحصیلات اولیه او در دبستان «بدر» و دبیرستان «منصور» در تبریز سپری شد. اتمام این تحصیلات (سال ۱۳۳۰)، آغاز فعالیت‌های سیاسی اوست که همزمان با نهضت ملی است.<sup>۴</sup>

در سال ۱۳۲۷ وارد سازمان جوانان حزب توده شد. در آن زمان بسیاری از روشنفکران به این حزب تمایل داشتند، اما در کودتای ۲۸ مرداد همگی کناره‌گیری کردند. ساعدی نیز از همین جمله بود. بعدها انزجار او از این حزب تا جایی پیش رفت که در «کانون نویسندگان ایران» پیشقدم اخراج توده‌ای‌ها از کانون شد. پس از کودتای ۲۸ مرداد به مدت دو ماه مخفی بود و در شهریور همان سال دستگیر شد و چند ماه در زندان به سر برد.<sup>۵</sup>

ساعدی در سال ۱۳۳۴ به دانشکده پزشکی تبریز وارد شد و شش سال بعد (۱۳۴۰) با گذراندن پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «علل اجتماعی پسیکونوروزها در آذربایجان» که بعد از ماهها بحث و جدل یا اکره پذیرفته شد، از دانشکده پزشکی دانشگاه تبریز فارغ‌التحصیل شد.<sup>۶</sup>

۱ - کورش اسدی: چهره‌های قرن بیستمی ایران، دفتر پنجم (غلامحسین ساعدی)، تهران: نشر قاصد، ۱۳۸۱، ص ۱۴.

۲ - محمد قاسم زاده: «ساعدی راوی هول و خوف»، مجله بایا، شماره ۸ و ۹، ۱۳۷۸، ص ۲۷.

۳ - جواد مجابی: شناخت نامه غلامحسین ساعدی، تهران: نشر قطره، ۱۳۷۸، ص ۵۵۵.

۴ - محمد قاسم زاده: «ساعدی راوی، هول و خوف»، ص ۲۷.

۵ - جواد مجابی: شناخت نامه غلامحسین ساعدی، ص ۵۵۳.

۶ - محمد قاسم زاده: «ساعدی، راوی هول و خوف»، ص ۲۷.

در همین دوره، رهبری جنبش‌های دانشجویی و شرکت در اعتصابات دانشگاه تبریز را آغاز کرد در همین سالهاست که نهضت ملی ایران شکست خورده بود و سلسله جنبان‌های اصلی آن یا به جوخه اعدام سپرده شده بودند و یا در تبعیدگاهها به سر می‌بردند و یا خسته از آنچه که دیده بودند، در داخل ایران و خارج بر سرنوشت خود تأسف می‌خوردند. آشنایی ساعدی با صمدبهرنگی، بهروز دهقانی، مفتون امینی، کاظم سعادت‌ی و مناف ملکی نیز محصول همین ایام است.<sup>۱</sup>

پس از اتمام تحصیلات خود به تهران مسافرت کرد و در سال ۱۳۴۱ به خدمت سربازی در پادگان سلطنت آباد تهران اعزام شد که در آنجا با عنوان طبیب و با درجه صفر به عنوان سرباز صرف خدمت نمود. پس از پایان خدمت، به اتفاق برادرش دکتر علی اکبر ساعدی، در بیمارستان «روزبه» تهران، در بخش روانپزشکی آغاز به کار کرد. تماس با بیماران روانی، خمیرمایه بسیاری از نوشته‌های او در دوران بعد گردید. پس از تجربه‌ای نه چندان کوتاه (چند ماهه) به همراه برادرش، مطب «دلگشا» را در خیابان «فلاح» تهران به راه انداخت.<sup>۲</sup>

آشنایی و دوستی ساعدی با جلال آل احمد، احمد شاملو، پرویز ناتل خانلری، رضا براهنی، محمود مشرف آزاد تهرانی، سیروس طاهباز، محمد نقی براهنی، رضا سید حسینی، بهمن فرسی، محمود اعتماد زاده، اسماعیل شاهرودی، جمال میرصادقی و ... نیز در همین سالی صورت گرفت. افراد نامبرده از فعالان سیاسی و اجتماعی دهه‌های سی و چهل هستند که بعدها «کانون نویسندگان ایران» را پایه ریزی نمودند. این افراد از اعضای فعال حزب راه آزادی هستند.<sup>۳</sup>

یک سال بعد (۱۳۴۲) وی، همکاری خود را با موسسه تحقیقات و مطالعات اجتماعی دانشگاه تهران آغاز نمود. این موسسه با همکاری دانشگاه تهران، زیر نظر دکتر احسان نراقی فعالیت می‌کرد. علمی‌ترین آثار نویسنده در حوزه تحصیلات شخصی او که شامل دو ترجمه و چندین مقاله علمی و تک نگاری است، در این دوره نگاشته شد. اولین سفر او به آذربایجان به منظور تحقیق در وضعیت اجتماعی-زیستی مردم آن دیار، نیز در همین سال بوده است. وی در همین ایام، مسافرت دیگری به جنوب و حاشیه خلیج فارس نیز داشته است هدف از این سفر، بررسی و مطالعه وضع اجتماعی و آداب و سنن بومی مردمان آن منطقه بوده است. تحقیق او در احوال ساکنان جنوب تا سال ۱۳۴۵ ادامه یافت. تک نگاری «اهل هوا» و داستانهای کوتاه «ترس و لرز» در همین راستا نگاشته شد.<sup>۴</sup>

۱ - محمد قاسم زاده: «راوی هول و خوف»، ص ۲۸.

۲ - جواد مجابی، شناخت نامه غلامحسین ساعدی، ص ۸.

۳ - همان، ص ۹.

۴ - همان، صص ۹-۱۰.

دهه چهل، اوج فعالیت های ساعدی در نویسندگی و فعالیت های اجتماعی و سیاسی است. چند مجموعه داستانی «عزاداران بیل» (۱۳۴۳)، «دندیل» (۱۳۴۵)، «واهمه های بی نام و نشان» (۱۳۴۶)، «ترس و لرز» (۱۳۴۷) و «پنج نمایشنامه از انقلاب مشروطه» (۱۳۴۶)، فیلمنامه «گاو» (۱۳۵۰)، و تک نگاریهای «ایلخچی» (۱۳۴۲) و «خیابو یا مشکین شهر» (۱۳۴۴) محصول همین دوره است.

ساعدی در سال ۱۳۴۶ به اتفاق جلال آل احمد، رضا براهنی و سیروس طاهباز به منظور رفع سانسور از اهل قلم و مطبوعات، با دولت وقت وارد مذاکره شد. این فعالیت منجر به ایجاد هسته اصلی کانون نویسندگان و به دنبال آن شکل گیری کانون شد. حضور در این کانون، حوادث آینده زندگی ساعدی و بسیاری از نویسندگان فعال آن دهه را به شدت متأثر ساخت.<sup>۱</sup>

ساعدی در سال ۱۳۵۳ به منظور انجام یک پروژه شهرسازی به اطراف سمنان (لاسگرد) سفر کرد. به دنبال این سفر، او به اتهام گرایش و همکاری با حزب چپ توسط ساواک دستگیر شد و به مدت یک سال در سلول انفرادی شکنجه گردید. گرچه وی بیش از این بارها، توسط ساواک و شهربانی دستگیر شده و شکنجه و آزار دیده بود؛ اما این بار شرایط زندان و شکنجه، سبب افسردگی و فرو رفتن او در «کابوس»هایی شد که به قول خودش «هیچ گاه نتوانست آن را بنگارد».<sup>۲</sup>

ساعدی در دهه پنجاه ضمن فعالیت سیاسی گسترده، با طیف وسیعی از مبارزان راه آزادی مرتبط بود که تا پایان عمرش ادامه پیدا کرد.<sup>۳</sup>

او پس از آزادی از زندان در سال ۱۳۵۴، به درمانگاه شبانه روزی در دروازه قزوین تهران وارد شد و به طبابت پرداخت. همچنین انتشار مجله «الفبا» در شش شماره، با همکاری نویسندگان معتبر آن روزگار، از دیگر فعالیت های او در این سالهاست.<sup>۴</sup>

ساعدی در سال ۱۳۵۷ به دعوت انجمن «قلم» و چند تن از ناشرین آمریکایی به آمریکا رفت و در آنجا پس از ایراد سخنرانی های متعدد، برای ترجمه کتابهایش با ناشر معروف (Random house) عقد قرارداد بست. مسافرت بعدی او در همین سال به لندن بود که سبب همکاری وی با احمد شاملو در انتشار روزنامه فرهنگی - سیاسی «ایران شهر» شد. او در اوایل زمستان ۵۷ به ایران بازگشت.<sup>۵</sup>

۱ - جواد مجایی، شناخت نامه غلامحسین ساعدی، ص ۱۱-۱۰.

۲ - همان، صص ۱۱-۱۳.

۳ - محمد قاسم زاده: «ساعدی، راوی هول و خوف»، ص ۲۸.

۴ - جواد مجایی: شناخت نامه ساعدی، صص ۱۱-۱۲.

۵ - همان، صص ۱۳-۱۴.